

بررسی تغییرات سرمایه اجتماعی در بلایای طبیعی مطالعه تأثیر سیلاب لرستان در فروردین ۱۳۹۸

مجتبی ترکارانی^۱، الهام مرادی نژاد^۲

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۵/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۹/۱۲/۱۵)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مطالعه تغییر ابعاد سرمایه اجتماعی در مراحل سه‌گانه (قبل، حین و پس از) سیلاب فروردین ۱۳۹۸ در استان لرستان است. در این پژوهش، از روش کیفی و مقایسه‌ای جهت شناخت و مقایسه ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف سیل استفاده شده است. جهت گردآوری اطلاعات، با مدیران، کارشناسان، امدادگران، افراد سیل‌زده، و نیز گروه متمرکز مصاحبه شده است. یافته‌ها نشان داد ابعاد سرمایه اجتماعی در مراحل سه‌گانه بحران تغییر کرده است؛ به این شکل که در بعد آگاهی، جامعه از ادراک تقدیرگرایی بلایای طبیعی، به درک انسان‌ساخت و دولت‌ساخت بودن بلایای طبیعی رسیده است. در بعد اعتماد، جامعه از کم‌اعتمادی بین دولت و ملت، به بی‌اعتنایی و بدبینی تغییر نگرش داده، و در بعد مشارکت، از مشارکت سنتی و بی‌سازمان، به انفعال مردم محلی و وابستگی بیشتر مردم به دولت رسیده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سیلاب، آگاهی، اعتماد، مشارکت، لرستان.

tarkarani@gmail.com

۱. دکتری جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

elmong2013@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸: ۱۲۳-۱۴۸

مقدمه و طرح مسئله

بلایای طبیعی با شدتی فزاینده جهان را ویران می‌کنند. تعدد وقوع حوادث طبیعی در سال‌های اخیر نشان داده است که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند مدعی ایمن‌بودن از مخاطرات طبیعی باشد و انسان‌ها همواره با تأثیرات ذهنی و عینی زیان‌بار این پدیده‌ها روبه‌رو هستند (عزمی و نوری، ۱۳۹۶: ۷۸).

شروع سال جدید خورشیدی ۱۳۹۸ در ایران، با وقوع بارش‌های سیل‌آسا همراه بود. از ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ تا ۱۱ فروردین ۱۳۹۸، ایران تحت تأثیر سامانه بارشی بود. بارش‌های استان لرستان، در فاصله زمانی ۳ تا ۱۱ فروردین و طی فعالیت دو سامانه بارشی رخ داد که به دلیل حجم زیاد بارش، دو سیلاب سهمگین در این استان به راه افتاد. اولین سیلاب، در پنجم فروردین‌ماه ۱۳۹۸ و دومین سیلاب در ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۹۸ رخ داده است. سیلاب شهرهای پلدختر، نورآباد، خرم‌آباد، دوره چگنی را محاصره کرد، تا جایی که در شهر پلدختر و برخی از روستاهای آن تنها امکان امدادسانی هوایی در روزهای آغاز سیل و وجود داشت (تشکر، ۱۳۹۸: ۲). تاریخ این سرزمین از قرن‌های گذشته نشان می‌دهد که ایرانیان هنگام مواجهه با حوادث و بلایای طبیعی، به جامعه‌ای متحد و قدرتمند تبدیل می‌شوند. به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، ایرانیان پس از وقوع بحران، فوراً به هم‌بستگی گروهی و سازمان‌دهی در برابر بحران دست می‌یابند (عسکری، ۱۳۹۵: ۲۹۱)؛ بنابراین، وقوع بلایای طبیعی در اجتماع، به لحاظ تاریخی، ضرورت همکاری، همیاری و اعتماد را تحت عنوان سرمایه اجتماعی نمایان ساخته است (یلا^۱ و همکاران، ۲۰۱۳: ۸۱). پژوهش‌های عزمی و نوری (۱۳۹۶)، عسکری (۱۳۹۵)، عینالی و همکاران (۱۳۹۳)، قدیری و رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۲)، عینالی (۱۳۸۹)، و عکاشه (۱۳۸۳) نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی نقش مهمی در کاهش آسیب بلایای طبیعی دارد. از این جهت، همواره افزایش سرمایه اجتماعی به منزله راه‌حل اساسی کاهش آسیب بلایای طبیعی مطرح بوده است. سرمایه اجتماعی همیشه اهمیت خود را در نهادهای رسمی و غیررسمی درگیر در بحران گرفته، تا کمک‌های مردمی و کارهای خیریه مردم عادی نشان داده است. نقش تخفیف‌دهنده سرمایه اجتماعی برای بلایای طبیعی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه علمی راهگشا بوده، اما سبب شده که شکل غالب پژوهش‌های مرتبط با سوانح طبیعی به تأکید و تأیید نقش کنترل‌کننده سرمایه اجتماعی در بلایای طبیعی معطوف شود و کمتر به تغییر سرمایه اجتماعی توجه نشان داده شود. این در حالی است که با وقوع بلایای طبیعی، ساکنان مناطق آسیب‌دیده، به دلیل اژه‌م‌گسیختگی شیرازه و نظم زندگی اجتماعی، و نیز تلفات

۱. Yila

جانی و مالی، در برخی از مهارت‌های اجتماعی از قبیل حمایت و پشتیبانی از یکدیگر در ابعاد اقتصادی، روحی، روانی، و مشارکت در امور عمومی با مشکلات جدی مواجه می‌شوند (حیدری ساریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶). اختلال در این ویژگی‌ها، که در ساحت نظری به‌منزله ابعاد سرمایه اجتماعی شناخته می‌شوند، نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی نه تنها همیشه به‌صورت مستقل نمی‌تواند آسیب بلایای طبیعی را کنترل کند و کاهش دهد، بلکه خود در روند بلای طبیعی تغییر می‌کند؛ از طرفی مطابق پژوهش‌های ترکاری (۱۳۹۳) و ترکاری و حق‌ندری (۱۳۹۵) در جامعه لرستان به‌صورت تاریخی و حتی در حال حاضر حضور نهادها و گروه‌های مدنی بسیار ضعیف است. این نشان می‌دهد که اولاً، در جامعه، انجام کار جمعی به‌صورت سنتی و غیرسازمانی جریان دارد. دوم، جامعه در شرایط بحرانی فاقد ظرفیت سازمانی جهت مقابله با حوادث است و بیشتر بر توان خودانگیزخته نیروهای محلی و شبکه‌های خویشاوندی متکی است. از این جهت، شناخت وضعیت ابعاد سرمایه اجتماعی در هنگام رخداد بلایا و تأثیر این بلایا بر تغییرات ابعاد سرمایه اجتماعی به‌خصوص در جامعه نیمه‌سنتی لرستان موضوعی درخور مطالعه است.

بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، در مراحل مختلف سیل در مناطق سیل‌زده لرستان از منظر کیفی چه تغییری کرده است؛ علاوه بر این، وضعیت کلی سرمایه اجتماعی نیز در مراحل مختلف سیلاب چه تغییراتی کرده و پیامد این تغییرات برای جامعه آسیب‌دیده در مراحل مختلف بحران چگونه بوده است. با توجه به پرسش‌های پژوهش، اهداف تحقیق حاضر عبارت‌اند از:

۱. فهم تغییرات ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف سیلاب لرستان در فروردین ۱۳۹۸؛

۲. بررسی تأثیرات و پیامدهای تغییر سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف بحران و ارائه راهکارها.

پیشینه تجربی پژوهش

در این قسمت، پژوهش‌های داخلی و خارجی درباره رابطه سرمایه اجتماعی و بلایای طبیعی بررسی و ارزیابی شده‌اند: رشادت‌جو و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی کلان‌شهرهای ایران در شهر رشت پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (آمادگی، مقابله، بازسازی) و مدیریت بلایای طبیعی کلان‌شهر رشت ارتباط معناداری برقرار است: هرچه سرمایه اجتماعی تقویت شود، مدیریت بحران‌های اجتماعی مناسب‌تر خواهد بود.

سلطانی حبیب و حقیقی (۱۳۹۵)، با بررسی سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در مدیریت بحران شهرها، دریافتند که بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، حمایت، احساس امنیت) و مدیریت بحران‌های اجتماعی (پیش‌گیری، آمادگی، مقابله و بازسازی) ارتباط معناداری وجود دارد. در پژوهشی دیگر، عزمی و نوری (۱۳۹۶)، با بررسی نقش سرمایه اجتماعی و مدیریت مخاطرات طبیعی در سکونت‌گاه‌های روستایی، گزارش کردند که همکاری، مشارکت، اعتماد و انسجام اجتماعی رابطه معنی‌داری با مدیریت مخاطرات طبیعی دارد و این رابطه را تسهیل کرده است.

پیلینگ (۲۰۰۳)^۱ در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌پذیری شهرها: سوانح طبیعی و تاب‌آوری اجتماعی»، سرمایه اجتماعی را عاملی کلیدی در مدیریت سوانح قلمداد کرده و میزان همبستگی و اعتماد به قوانین در سطح جامعه محلی را باعث بالارفتن تاب‌آوری مردم محلی دانسته است. پاترسون^۲ و پاتل^۳ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای به نقش جامعه محلی در واکنش به سانحه با تمرکز بر نقش سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. آنها در زمینه عوامل مؤثر بر کاهش آسیب‌پذیری جامعه در برابر سوانح طبیعی، به اهمیت شبکه‌های اجتماعی، نگرش، اعتماد بین افراد و انسجام اجتماعی اشاره کرده‌اند. علاوه بر این، یلا^۴ و همکاران (۲۰۱۴)، با بررسی اثر سرمایه اجتماعی در بلایای طبیعی، بر نقش سرمایه اجتماعی به مثابه یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر کاهش خطر سانحه سیل تأکید کرده‌اند.

ارزیابی مطالعات انجام‌شده در زمینه سرمایه اجتماعی و بلایای طبیعی، وجوهی از تفاوت پژوهش حاضر را با مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که عبارت‌اند از: (۱) اغلب تحقیقات به نقش تسهیل‌کننده سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران بلایای طبیعی اشاره کرده‌اند، در حالی که این تحقیق لزوماً این نتیجه را تأیید نمی‌کند؛ (۲) غالب تحقیقات با رویکرد کمی (پیمایشی) انجام شده‌اند، در حالی که در این تحقیق سرمایه اجتماعی به روش کیفی بررسی شده است؛ (۳) محققان کمتر به تغییرات ابعاد سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف بحران طبیعی پرداخته‌اند، در حالی که تفکیک مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند در روشن کردن اثر بلایای طبیعی بر ابعاد سرمایه اجتماعی مؤثر باشد. (۴) در بررسی بلایای طبیعی، بیشتر به نقش کنترل‌کننده و «از بالا به پایین» سرمایه اجتماعی در بهبود مدیریت بلایای طبیعی توجه شده

۱. Peeling
۲. Patterson
۳. Patel
۴. Yila

است، در حالی که ضرورت دارد به سرمایه اجتماعی به صورت مستقل و به منزله مفهومی توجه شود که ممکن است در روند بلایای طبیعی دچار تغییر شود.

سرمایه اجتماعی و بلایای طبیعی

سرمایه اجتماعی پاسخی فراگیر به این پرسش قدیمی است که از چه روی افراد گرد هم می آیند و با وجود منافع متضاد، در سطحی وسیع تر منافع مشترک پیدا می کنند (پیران و همکاران، ۱۳۸۵: ۹). وجود گروه های اجتماعی بر پایه اعتماد دوجانبه و هنجارهای مشترک، به ایجاد شبکه های اجتماعی منجر می شود. با تشکیل شبکه های اجتماعی، همکاری بین اعضای شبکه آسان می شود و حمایت دوسویه اعضای شبکه از یکدیگر شکل می گیرد و حمایت اعضا از یکدیگر، با اعتماد به اینکه در آینده پاسخی مستحق این حمایت از طرف مقابل دریافت خواهد شد، ذخیره اجتماعی را برای هر عضو به وجود می آورد. از انباشت این ذخیره اجتماعی در فرد، در شبکه ها (میان افراد) و در جامعه (میان شبکه ها) سرمایه اجتماعی شکل می گیرد (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۷: ۸۶).

انواع سرمایه اجتماعی

در بیشتر تعاریف، انواع سرمایه اجتماعی تفکیک نشده و این مفهوم به صورت عمومی سنجش شده است، در حالی که تمایز بین انواع آن، مسئله ای اساسی برای پژوهش های سرمایه اجتماعی محسوب می شود. پاتنام^۱ از نخستین کسانی بود که به این تمایز پرداخت. او با تفکیک انجمن های درون گروهی و انجمن های برون گروهی، تفاوت انواع سرمایه اجتماعی را نشان داد. سرمایه اجتماعی درون گروهی نوعی از سرمایه اجتماعی است که افراد را از منظرهای مهمی مثل قومیت، سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و نظایر آن کنار هم قرار می دهد. در مقابل، سرمایه اجتماعی (اتصالی) برون گروهی، به شبکه های اجتماعی ای اشاره دارد که افراد غیرمشابه از بخش های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط می کند و می تواند به هویت های باز و فارغ از تعصب شکل دهد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۷۱).

لرستان، به منزله یکی از استان های غربی ایران، جامعه ای سنتی با بنیان های قوی ایلی به شمار می رود. همراه با رشد شهرنشینی و افزایش تحصیلات زنان و مردان، ساخت ایلیاتی کمرنگ تر از سابق شده، اما همچنان پایه های خود را در روابط اجتماعی حفظ کرده است. سرمایه اجتماعی مانند دیگر پدیده های اجتماعی در متن و تاریخ اجتماع به وجود می آید و

۱. Putnam

جنبه‌ای از ساخت اجتماعی است (ادیبی‌سده و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۵). در ساخت اجتماعی لرستان، سرمایه اجتماعی دارای ویژگی‌هایی خاص مبتنی بر فرهنگ اجتماعی غالب جامعه است. الگوی حاکم بر سرمایه اجتماعی در این مناطق، بیشتر مبتنی بر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است. رای شناخت تغییرات مفهومی سرمایه اجتماعی متأثر از رخداد بلایای طبیعی در لرستان، باید قالب‌بندی و فرهنگ سنتی حاکم بر روابط اجتماعی در این جامعه را در نظر گرفت که بر شکل‌دهی سرمایه اجتماعی مؤثر است.

از بلایای طبیعی تعاریف متعددی ارائه شده است. از نظر برخی محققان، بلایای طبیعی به‌مثابه یک دوره بحران اجتماعی شناخته می‌شود. طبق این رویکرد، بلایای طبیعی، با تأثیر گذاشتن بر نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه آسیب‌پذیر، در روال طبیعی آن جامعه اختلال ایجاد می‌کند و مانع ایفای نقش مناسب آن جامعه برای کنار آمدن با آثار پدید می‌شود (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۸).

از دیدگاه مدیریت سانحه، ساختار جامعه محلی با تصمیم‌گیری غیرمتمرکز از طریق شبکه‌های اجتماعی و استفاده از رفتار هنجاری توأم با اعتماد و همکاری متقابل، پاسخی منطقی به سانحه می‌دهد و از پیامدهای منفی آن می‌کاهد. از این منظر، سرمایه اجتماعی سپری در مقابل اثر مخاطرات طبیعی است و سازمان‌دهی مجدد اجتماعی را امکان‌پذیر می‌کند (چیا،^۱ ۲۰۱۰: ۱۹).

چارچوب مفهومی

رابرت پاتنام از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است. از دیدگاه پاتنام، سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از ویژگی‌های سازمان اجتماعی، همانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت، اشاره دارد که از طریق ارتباط یا مشارکت بهینه میان اعضای اجتماع حاصل می‌شود. پاتنام هنجارهای همیاری و آگاهی را مولدترین جزء سرمایه اجتماعی می‌داند. او معتقد است ملاک سرمایه اجتماعی اصل همیاری تعمیم‌یافته است. در این باره می‌نویسد: «من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم، بی‌آنکه شما را بشناسم، اما این اطمینان را دارم که در طول راه، شما یا دیگری لطف مرا پاسخ خواهید داد» (پاتنام، ۱۳۷۹: ۹۵).

از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظر پاتنام اعتماد است. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری و مدارا، و حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در جامعه‌های کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر،

۱. Chia

اعتماد غیرشخصی یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد که بسط مدارا را روان‌تر می‌کند (همان، ۱۳۴). در این نوشتار، رویکرد پاتنامی به سرمایه اجتماعی انتخاب شده است که شامل آگاهی و هنجارهای متقابل، اعتماد و مشارکت شبکه‌های رسمی و غیررسمی است. با وجود کیفی بودن تحقیق، از دیدگاه پاتنامی سرمایه اجتماعی به منزله قاب تحلیلی برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی در مراحل مختلف سیل (قبل، حین و بعد) استفاده شده است.

روش‌شناسی

روش‌شناسی تحقیق برمبنای رویکرد کیفی انتخاب شده است. از این جهت که برای شناخت شیوه تغییر سرمایه اجتماعی در فرآیند سیل برمبنای فهم کنشگران، استفاده از روش کیفی لازم است. البته، این مطالعه نوعی تحلیل مقایسه‌ای کیفی نیز محسوب می‌شود؛ زیرا سیر تغییر مفهومی ابعاد سرمایه اجتماعی را در مراحل مختلف بحران دنبال می‌کند و برای هر دوره و هر بُعد با توجه به دیدگاه مطالعه‌کنندگان مفاهیم مختلفی را استخراج می‌کند. گرچه در تحقیقات کیفی معمولاً داده‌ها خود جهت تحلیل را مشخص می‌کنند و کمتر چارچوب مشخصی به مثابه قاب تحلیلی به کارگرفته می‌شود، در عمل، همیشه تحقیقات پیشین به کار جهت می‌دهند. ما در اینجا از قاب تحلیلی^۱ برای جمع‌کردن داده‌ها حول چند مقوله استفاده کرده‌ایم تا قابلیت مقایسه وجود داشته باشد و بتوان سیر تغییر مفهومی ابعاد سرمایه اجتماعی را نشان داد؛ به عبارت دیگر، فرآیند تحقیق، نوسانی بین مؤلفه‌های استقرایی و قیاسی است؛ به این شکل که نظریه پایه‌ای سرمایه اجتماعی پاتنام (۱۹۹۳؛ ۲۰۰۰) همچون چارچوب تحلیلی عمل می‌کند و با ترکیب تصویر سرمایه اجتماعی متناسب با زمینه تحقیق، روند تغییر را نشان می‌دهد. استفاده از یک قاب تحلیلی (عمدتاً قیاسی) همراه با تصاویر محلی (عمدتاً استقرایی) می‌تواند به مثابه روشی برای تولید "بازنمایی" از سرمایه اجتماعی برای تحلیل‌های بیشتر مخصوصاً تحلیل‌های مقایسه‌ای یا توصیفی به کار برده شود (راگن، ۱۹۹۴)^۲، نقل از اریکسون و همکاران، ۲۰۰۹).

این تحلیل در مرحله تولید مفاهیم از داده‌ها از روش کیفی نظریه زمینه‌ای استفاده کرده و نوعی بازسازی نظری انجام می‌دهد. به این شکل که نظریه پاتنام را از پایین بازسازی و کدها را به مفهوم تبدیل می‌کند، ولی این مفاهیم خودرو نیستند و لازم است جهت تحلیل مقایسه‌ای در بالا حول یک قاب معین بازسازی شوند (دالگرن^۳ و همکاران، ۲۰۰۷). این نوسان بین کدها

۱. Frame

۲. Ragin

۳. Dahlgren

و قاب تحلیلی توضیحات مفصلی از ابعاد سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند و به تفسیر تعاملی بین قاب تحلیلی پاتنام و اطلاعات میدانی منجر می‌شود. اریکسون و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای درباره سرمایه اجتماعی این الگو را به کار گرفته‌اند.

داده‌های تحقیق در مراحل مختلف سیلاب، با توجه به مصاحبه‌های عمیق، بازبیدهای میدانی، مصاحبه گروه‌های متمرکز و مصاحبه با مسئولان و کارشناسان، در فاصله ۱۳ فروردین ۱۳۹۸ تا ۳۱ شهریور ۱۳۹۸ جمع‌آوری شده است. جامعه تحت مطالعه را افراد ساکن در مناطقی از استان لرستان، شامل پل‌دختر، معمولان و چگنی، تشکیل می‌دهند که در مرکز سیلاب قرار داشتند. در مجموع، در خرم‌آباد و مناطق سیل‌زده نورآباد، پل‌دختر، دوره چگنی و معمولان، هفت جلسه بحث گروهی برگزار شد. در خرم‌آباد، این جلسه‌ها با حضور فعالان مدنی و سمن‌های درگیر سیلاب و مطلعان کلیدی و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان برگزار شد. در جلسات شهرستان‌های سیل‌زده، مردم محلی، اعضای شورای شهر و روستا، مسئولان دولتی و اعضای سمن‌ها و فعالان رسانه‌ای حضور داشتند. در هر جلسه، بین ۱۵ تا ۲۰ نفر حضور داشتند و در مجموع، جلسات گروهی حاصل گفت‌وگو با ۷۰ زن و ۶۰ مرد است. علاوه‌براین، محققان مصاحبه‌های متعددی را در شهرهای سیل‌زده با مردم محلی و مسئولان دولتی یا فعالان مدنی و صاحب‌نظران حوزه مدیریت بحران به‌صورت فردی انجام داده‌اند. نتایج مشاهدات میدانی نیز در مطالعه منعکس شده است.

از نظر برش زمانی، سه مرحله با عنوان قبل، حین و بعد از بحران وجود دارد که هر مرحله اقدامات متناظر با خود را به‌همراه دارد. در این پژوهش، مرحله قبل از بحران، اقدامات مربوط به پیش‌گیری از حوادث و سوانح و آمادگی دربرابر بحران را دربرمی‌گیرد و به حدود دوهفته قبل از بحران اشاره دارد. مرحله حین بحران، از شروع سیل در ۱۲ فروردین‌ماه تا پایان عملیات امداد و نجات و کمک‌رسانی‌های پس از بحران تا اقدامات مربوط به عادی‌سازی، بازسازی و جمع‌کردن کمپ‌ها و چادرها تا اوایل خردادماه را شامل می‌شود. مرحله بعد از سیل، به‌لحاظ زمانی، از آغاز بازسازی و پایان مرحله امداد، از اول خردادماه تا پایان شهریورماه ۱۳۹۸، در نظر گرفته شده است. در شناخت تغییرات مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، به برش زمانی بحران طبیعی سیل توجه شده و روند تغییر مفهومی هرکدام از مؤلفه‌ها در سه مرحله هدف اکتشاف قرار گرفته است. با استناد به کدهای استخراج‌شده، قاب تحلیلی مفاهیم ساخته شده است، به‌طوری‌که این مفاهیم بتوانند تغییرات هر مرحله را نشان دهند. کدگذاری‌ها تا رسیدن به‌نوعی اشباع نظری در هر بُعد از قاب تحلیلی ادامه داشته است. محورهای انتخابی همان قاب تحلیلی متأثر از پاتنام، یعنی شبکه‌های مشارکت مدنی، آگاهی و اعتماد اجتماعی، روند کدگذاری را در

سطوح بالاتر تسهیل می‌کنند و سطوح بالاتر کدگذاری تحت تأثیر جهت‌گیری دوطرفه کدگذاری باز از پایین و قاب تحلیلی از بالا شکل می‌گیرند.

یافته‌های پژوهش

۱. تغییرات مؤلفه آگاهی: گذر از نگاه تقدیرگرا

در جدول ۱، تمام کدهایی که وجه هنجاری و شناختی سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهند، در سه مرحله زمانی بحران جای‌گذاری شده‌اند.

جدول ۱. یافته‌های مؤلفه هنجارهای متقابل در مراحل مختلف بحران (قبل و حین و بعد از سیل)

مرحله زمانی	مفاهیم و گزاره‌ها	مقوله فرعی	مقوله اصلی	قاب تحلیلی
قبل از سیل	امکن بازندگی شدید، نداشتن مکن بازندگی شدید و امکان وقوع سیل، سابقه نداشتن سیل در گذشته، تئوری‌های بی‌توجهی به سیل برحسب روی داده‌های گذشته، نبود آگاهی‌های پیش‌گیرانه در مواجهه با سیل، نداشتن اطلاعات دقیق درباره ایام سیل، دقیق‌نیستن پیش‌بینی‌های قبلی هوشناسی درباره سیل، امکان خطر سیل برای مناطق نزدیک رودخانه، گذرابودن هشدارهای سیل، تاقل گیرشدن از حادثه سیل، بی‌توجهی به بیمه امول و منول.	برساخت طبیعی بلایا ضعف آگاهی نهادی از بلایا برآیند هنجاری ناری از حساسیت خطر	تقدیرگرایی	
حین سیل	بازکردن سد بالادست و جاری‌شدن سیل، پاروکردن ابرها، اطلاع دولت از وقوع سیل و عدم انجام کار مناسب نبود نظارت شهرداری بر ساخت‌وساز و عدم رعایت حریم رودخانه، قابل کنترل بودن سیل، شکل‌گیری نومی خشم نسبت به دولت، همراهی مردم توسط اطلاعات غیردقیق گذشته، نومی سردرگمی دولت در مواجهه با سیل.	قابل بودن به نظریه‌توطئه درباره سیل بازر به‌توجهی نقش دولت ضعف مدیریت بحران	دولت‌ساز بودن بلایا	هنجارهای متقابل و آگاهی
بعد از سیل	تخریب جنگل و ایجاد چاه‌های عمیق، تشخیص نادرست مناطق وقوع سیل، تنگ‌بودن مجاری رودخانه عمل سیل ساخت‌وسازهای انسانی در مسیر رود، بی‌توجهی به رخ‌داد حادثه‌توجه و حساسیت بیشتر به بیمه کردن امول، ایجاد حساسیت بیشتر به پیام‌های هوشناسی و هشدارهای آژ-توجه به محیط اطراف و حساسیت محیطی، توجه به ساخت‌وساز در حریم رودخانه و تخریب‌شدن ملک در مناطق پرخطر، بالارفتن آگاهی‌ها درباره سیل و شیوه مواجهه، تمام نگرش‌توطئه‌گرا درباره سیل، نگرش‌تقدیرگرایانه، نگرش‌های فرصت‌طلبانه به سیل.	وابستگی کامل به دولت مقصدین جلسه وجود نگرش‌های تیترطی به بلایا و نگاه ابزاری به سیل	دولت‌ساخت - انان‌ساخت بودن بلایا	

قبل از سیل

درباره آگاهی از پدیده سیل، یکی از افراد سیل زده بیان کرد: «فکر نمی‌کردیم این قدر سیل بیاید، چون تا حالا چنین چیزی نیامده بود. فکر می‌کردم هرچی قسمت و تقدیر ما باشد اتفاق می‌افتد». بسیاری از افراد در مصاحبه‌ها بیان کردند که درک روشنی از سیل، آسیب‌پذیری و خطرپذیری محل زندگی‌شان نداشتند. اغلب افراد قبل از وقوع بلای طبیعی، حادثه را پدیده‌ای طبیعی و مقدر درک کرده‌اند. این دیدگاه طبیعت‌گرایانه و تقدیرگرایانه، به عدم احساس خطر درباب وقوع وقایع طبیعی منجر می‌شود. همچنین، اغلب افرادی که در مجاورت مسیر رودخانه بودند اظهار کردند که: «من چون خانام دورتر از رودخانه بودم، اهمیتی به هشدارها نمی‌دادم». درباب سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با هشدار، اغلب سازمان‌ها از جمله سازمان هواشناسی پدیده را به صورت خطر ادراک نکرده بودند. یکی از کارشناسان دولتی معتقد است: «اطلاعات هواشناسی هم مبهم بود. خود دولتی‌ها هم تصور دقیقی نداشتند و همه غافل گیر شدند».

حین سیل

مردم محلی سیل زده و فعالان مدنی در مناطق پلدختر، که بیشترین خسارت را دیده بود، اظهار کردند: «دولت در شب حادثه اصلاً نبود و هیچ امکاناتی از قبل آماده نکرده بود. ما دو روز با بیرون قطع ارتباط بودیم. چرا باید این جور باشد». «اگر سدهای بالادست را باز نکرده بودند، پلدختر و معمولان را آب نمی‌برد. اینها به خاطر اینکه خرم‌آباد را سیل نبرد این کار را کردند». «با اینکه ما تجربه‌های زیادی در بحران‌ها داریم، ولی واقعاً دولت آمادگی مناسب برای مواجهه با بحران را ندارد» (فعال مدنی از پلدختر). باور به نقش دولت در مرحله حین سیل، شکل غالب این مرحله از حادثه است. نظریات مبتنی بر توطئه در بین مردم، و این فکر که دولت برای مقابله با وقوع سیل در خرم‌آباد و شکستن سد بالادست در خرم‌آباد، سدها را پر کرده است، در بین مردم شکل گرفته است، درحالی‌که به میزان بارش در مناطق بالادست، فرسایش خاک و ضعیف شدن پوشش گیاهی در مناطق مسیر رودخانه کمتر اشاره شد و این نشان می‌دهد که مردم پدیده سیل را دولت‌ساخت می‌دانند.

بعد از سیل

تداوم مقصرانگاری نهادهای دولتی در باور ساکنان محلی در مرحله بعد از سیل، نشان می‌دهد که در باور فرهنگی مردم دولت وظیفه پیش‌بینی و مقابله و امداد رسانی دارد. در بحث‌های گروهی، اعضای سمن‌ها معتقد بودند:

با اینکه مردم هم کوتاهی داشتند، ولی دولت هم اقدامات یا برنامه مشخصی نداشت و خیلی مقصر است (کارشناسان بحث گروهی).

از دیدگاه افراد درگیر در حادثه، سیل منشأ طبیعی دارد، اما اقدامات نادرست ساختاری و زیربنایی و مدیریت نامناسب، به وقوع و تشدید حادثه منجر شده است.

«البته، ما خودمان مردم محلی - مقصر بودیم».

«اگر خودمان این جنگل‌ها و درختان را نابود نمی‌کردیم و آب‌خیزداری می‌کردیم، این سیل‌ها نمی‌آمد (مرد سیل‌زده)».

«حداقل می‌دانم اگر بخواد سیلی بیاید وسایل مهم زندگی‌ام را قبلش برمی‌دارم. تو این

سیل همه چیز را از دست دادم، ولی تجربیاتی را به قیمت گزاف خریدم (مرد سیل‌زده)».

با این وصف، می‌توان گفت وجه انسانی و مدیریتی اقدامات (لای‌روبی نکردن رودخانه‌ها، مدیریت نامناسب سدها، وضعیت نامناسب سیل‌بندها، جابه‌جا نکردن وسایل منزل) نسبت به طبیعی دانستن پدیده غالب بوده است.

بنابراین، در زمینه آگاهی، در سه مرحله قبل، حین و بعد از سیل، به ترتیب، شاهد شکل‌گیری

هنجارهای طبیعت‌گرایانه قبل از حادثه، باور به دولت‌ساخت بودن وقایع طبیعی در حین حادثه، و رفتن به سمت درک انسان‌ساخت و دولت‌ساخت بودن بلایای طبیعی پس از حادثه هستیم.

۲. تغییرات مؤلفه اعتماد: شکل‌گیری اشکال جدید اعتماد

کدهای مربوط به اعتماد در سه مرحله زمانی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. یافته‌های مؤلفه اعتماد در مراحل مختلف بحران (قبل، حین و بعد از سیل)

مرحله	مفاهیم	مقیله قرنی	مقیله اصلی	کتاب تحلیل
قبل از سیل	<p>حضور نیروی انتظامی، برای تسریع خروج مردم از منازل، شلیک تیر هوایی، برای تسریع خروج از منازل، متقبل نبودن اطلاعات مسئولان، اعتراض، به امداد گران، برای مراجعه به درب منازل برای تخلیه</p> <p>باور به عملکرد ضعیف مسئولان، اعتماد به عملکرد ضعیف بهجت هشدارهای نادرست اعتماد به ضعف عملکرد دولت در مدیریت بحران، عدم مدیریت سکونت در کمپ‌ها، عدم اعتماد به اختیار هوکناس، و رسانه‌های رسمی، عدم تخلیه وسائل منزل، عدم ذخیره مواد غذایی، توجه به اعلام خطر از سوی آشنایان و سکونت در منزل آهنگ تیر، از سرعت اسول و عدم ترک منزل</p>	<p>ضعف اعتماد به اطلاع‌رسانی، ضعف اعتماد به عملکرد نهادهای رسمی، (فرمان‌داری، هوکناس)، اعتماد نسبی، به شبکه‌های خودشان‌بندی و محلی</p>	<p>قوت اعتماد شبکه‌های غیررسمی، و ضعف اعتماد به مراجع رسمی</p>	
حین سیل	<p>فحاشی، به اقرا خیر و مسئولان، تهدید مسئولان دولت، اعتماد به سرعت مواد غذایی، ارسال، برای آنها توسط نهادهای کمک‌رسان، کاهش اعتماد به نهادهای اداری محلی، و ملی، مانند شهرداری و بخشداری و فرمان‌داری</p> <p>وجود نوعی تقابل بین نیروهای نظامی، و دولتی، نگاه منفی، دولتی‌ها و نظمی‌ها، به اقرا خیر، اعتمادی افراد خیر به دولت، فقدان رابطه مناسب بین افراد خیر و نیروهای دولتی</p> <p>اعتماد به سرعت اقلام بالارزش، (ویجالی، قهوه، و...) به دست مستندان محلی، باور به عدم توزیع منصفانه و صاحب اقلام توسط محلی‌ها</p> <p>اعتماد نسبی، مردم محلی، به عملکرد نیروهای جهادی، افراد خیر، مسرمان، روحانیان</p> <p>تلاوت اعتماد به شبکه‌های رسمی، تلویزیون و رادیو استفاده از شبکه‌های اجتماعی، جهت ارتباط و کسب اعتماد زدن، بوجیب‌های اخلاقی، و منفی، به یکدیگر، روابط دروغ‌گویی، بین اقرا محلی، و قریب خیران، دامن زدن، به احساسات مردم یا استفاده ابزاری از کوه‌گرا، و سالمندان، رقابت و تناوش، و خشونت بین مردم برای کسب اقلام</p>	<p>اعتمادی به نیروهای دولتی، و غیردولتی، عدم اعتماد نیروهای دولتی، و مدنی، به یکدیگر</p> <p>رواج، اعتمادی بین مردم محلی، شکل‌گیری اشکال جدید اعتماد نهادی و عام‌گرا</p> <p>رواج ارزش‌های تیرسدان، و غیراخلاقی</p>	<p>شکل‌گیری اشکال جدید اعتماد در بین رشد در اخلاقی،</p>	اعتماد

مرحله	مفاهیم	مقاله فرعی	مقاله اصلی	کتاب تحلیل
بعد از سیل	رواج دروغ‌گویی، و دزدی، و قتل و اقصیت‌ها برای جلب کمک، جریس، ریویز، مردم برای دریافت کمک‌ها، ستیز و فریبکاری برای دریافت کمک	گم‌گشایی به رسانه‌های رسمی، شکل‌گیری نوع بدبینی در مردم نسبت به یکدیگر شکل‌گیری نوع سرن‌ها نسبت به مردم سطحی ماندگارشدن ارزش‌های اخلاقی، منتهی و خودخواهانه	تکمیل اعتماد رسمی، و تقویت رسمی	
	کاهش، پوشش رسانه‌ای اخبار سیل، عدم انتقال نکته و پیام‌های مردم، توسط رسانه‌ها، یگیری نشدن مطالبات مردم، از طریق پوشش‌های خبری بر اعتماد، و بر خیال، خون‌سردی، سکوت و محافظه‌کاری مردم بیرون، نسبت به سیل‌زدگان ضعف اعتماد به نفس، در بیان مسائل، ضعف حساسیت و فقدان نکته نسبت به مسائل اجتماعی، رواج تفکرات مثبتی، بر مقصود، مردم و گناهکاری‌ها احساس تنهایی، و یکسره مردم محله، بر اعتماد، به یکدیگر، عدم اعتماد به هر نوع در مواقع بحران، آینده کاهش اعتماد مردم سطحی، به یکدیگر (نگاه بدبینانه به یکدیگر)، محدود شدن نگرش کمک به خانواده خود و اطرافیان، در مواقع بحران، آینده			

قبل از سیل

افراد محلی در ارتباط با شب حادثه چنین گفتند:

«در قسمتی از شهر برای هشدار به مردم تیر هوایی شلیک شد. چون بعضی‌ها در خانه در خواب بودند و آب پشت در خانه بود» (مصاحبه زن پل‌دختری)

«با این که تلویزیون هشدار می‌داد و در سطح خیابان‌ها نیز خبرهای هشداردهنده پخش می‌شد، ولی مردم باور نمی‌کردند» (مصاحبه مرد پل‌دختری)

طبق اطلاعات به‌دست‌آمده، بی‌توجهی به هشدارها درباره سیل، از ضعف اعتماد به نهادهای رسمی درباره وقوع حادثه و خطر ساز بودن آن نشان دارد. کارشناسان در بحث‌های گروهی باور داشتند که: «اعتماد مردم به رسانه‌های رسمی بالا نیست و این رسانه‌ها نیز اطلاعاتشان دقیق نبود».

وقتی اعتماد به نهادهای رسمی، به‌ویژه در مواقع رخداد بلایای طبیعی، کم باشد، شبکه‌های گوناگون غیررسمی محلی (مردم، بسیج، نیروهای مذهبی، جهاد، افراد خیر) در مرحله

اطلاع‌رسانی وارد عمل می‌شوند، ولی به‌دلیل ناکارآمدی دولت در فراهم‌کردن زیرساخت برای انتقال افراد جامعه به‌جای امن، حتی خود نهادهای رسمی نیز امکان جابه‌جایی دستگاه اداری خود را به‌جای امن پیدا نمی‌کنند. یکی از مسئولان حاضر در مناطق سیل‌زده بیان کرد: «ما هرچه می‌توانستیم به مردم اطلاع دادیم، ولی مردم گوش ندادند و به‌جای گوش کردن به حرف مسئولان انتظامی، متکی به کمک‌های اقوام و توصیه‌های آشنایان شدند.»

با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده، شبکه‌های خویشاوندی و مردم محلی تا حدی توانستند بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی را جبران کنند. در فرآیند سیلاب، اعتماد به شبکه‌های غیررسمی بازتولید یا تقویت شد.

حین سیل

در این مرحله، در بستر شبکه‌های مجازی و ارتباطات جامعه بیرونی با اجتماع محلی، اعتماد تعمیم‌یافته شکل جدیدی به خود گرفت:

«افراد و خانواده‌ها مستقیماً یا به‌وسیله یک رابط محلی با تلگرام یا واتس‌آپ وضعیت خودشان را به خیران اطلاع می‌دادند و آنها هم کمک می‌فرستادند» (مصاحبه زن پل‌دختری)

افراد در قالب فضای مجازی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند و اشکال مختلفی از اعتماد بین‌فردی این‌گونه شکل می‌گرفت، گرچه سوءاستفاده‌هایی از این اعتماد در دو طرف ماجرا نیز انجام گرفته است (ابزاری و اخلاقی). یکی از افراد ساکن در شهرستان پل‌دختر بیان می‌کند: «از همه نقاط کشور به‌سوی لرستان کمک و خیر سرازیر شده بود و این همه اعتماد و کمک برای ما واقعاً خوشحال‌کننده بود» (مرد سیل‌زده پل‌دختر)

گروه‌هایی از نیروهای مدنی، جهادی، افراد خیر و حتی هنرمندان، از سراسر کشور، بدون هیچ‌گونه شناخت قبلی و صرفاً با استناد به اطلاعات رسانه‌ها یا حضور میدانی، کمک ارسال کردند. یکی از اعضای سمن حاضر در مناطق سیل‌زده بیان می‌کند: «سمن‌ها و خیرین کمتر به دولتی‌ها اعتماد داشتند و خودشان می‌خواستند مستقیماً کمک‌ها را توزیع کنند.»

شیوه توزیع ناعادلانه کمک‌ها به‌دست دولت و افراد خیر و نبود سازوکاری هوشمند برای شناسایی افراد آسیب‌دیده، باعث شد که افراد با تمسک به کارهای غیراخلاقی، مانند دروغ و جعل سند، اقلام کمکی بیشتری جذب کنند. از این جهت، اعتماد نهادی و غیررسمی دچار مشکل شد. یکی از کارشناسان حاضر در مناطق سیل‌زده بیان کرد:

«گاهی بین خیرین و نیروهای جهادی نیز اختلافاتی پیش می‌آمد و هرکس دیگری را متهم به سوءاستفاده می‌کرد.»

یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌های اخلاقی منفی با رویکردهای خودخواهانه در میان مردم محلی و در رابطه آنها با بیرونی‌ها شکل گرفته است. این اتفاق را می‌توان به‌مثابه واکنشی در قبال وضعیت پیش‌آمده تفسیر کرد. ارزش‌های قبیله‌گرای افراد محلی و کارکنان اداری و نهادها نیز در هنگام تقسیم اقلام و کمک‌های مردمی تا حد زیادی در تضعیف اعتماد بین مردم و نهادها مؤثر بوده است.

بعد از سیل

پس از سیل، اعتماد در قالب اشکال مختلف خود را نمایان ساخت، ولی از آنجا که پوشش رسانه‌ای از حادثه و انعکاس مشکلات مردم به تدریج نسبت به دوره حین سیل کاهش یافت، جامعه آسیب‌دیده به جامعه بیرونی کم‌اعتماد شد. با اتمام فعالیت سمن‌ها و انجمن‌ها در مناطق سیل‌زده و ترک مناطق، به دلیل انتظاراتی که سمن‌ها به واسطه عملکرد خود در حین سیل در جامعه آسیب‌دیده به وجود آورده بودند، موجی از بی‌اعتمادی و احساس ناکارآمدی درباب عملکرد سمن‌ها شکل گرفت. افراد محلی در این باره چنین گفتند:

«بعد از مدتی خیرین فکر می‌کردند که ما دروغ می‌گوییم و کسی دیگر به حرفمان گوش نمی‌کرد و آنجا را ترک کردند».

با این اوصاف، جامعه آسیب‌دیده احساس کرد که تشکل‌های مردم‌نهاد صرفاً نگاه خیریه‌ای و شخصی داشته‌اند و به دنبال حل مشکلات واقعی مردم و توانمندسازی آنها نبوده‌اند و در نیمه راه کار خود را تمام‌شده دانسته‌اند. یکی از مسئولان دولتی در بحث‌های گروهی چنین گفت:

«بعد از مدتی، مردم همه خواسته‌هایشان را از دولت می‌خواستند و چون دولت نمی‌توانست به آنها پاسخ بدهد، به دولت بدبین و بی‌اعتماد شدند».

در سطح اعتماد محلی، به تاسی از رقابت مخربی که افراد بر سر جذب کمک‌های دولتی و غیردولتی با هم داشتند، بی‌اعتمادی و ارزش‌های غیراخلاقی رشد کرد. کارشناس سمن‌ها، که در مناطق سیل‌زده حاضر بود، می‌گوید:

«دروغ‌گویی و دورویی در بین مردم زیاد شد و عزت نفس مردم خیلی کم شد. طوری که بعضی برای گرفتن یک قلم کمکی قسم می‌خوردند که تاکنون هیچ چیزی دریافت نکرده‌اند».

در بعد اعتماد، در سه مرحله زمانی، شاهد قوت گرفتن اعتماد به شبکه‌های غیررسمی پیش از وقوع حادثه، شکل‌گیری آشکال جدید اعتماد در عین رشد ارزش‌های اخلاقی منفی در حین حادثه، و تضعیف اعتماد رسمی و غیررسمی پس از وقوع حادثه هستیم.

۳. تغییرات مؤلفه مشارکت: تضعیف مشارکت محلی

کدهای تحقیق در باب مؤلفه مشارکت در مراحل زمانی سه‌گانه در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. یافته‌های مؤلفه مشارکت در مراحل مختلف بحران (قبل، حین و بعد از سیل)

مرحله	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی	قاب تحلیلی
قبل از سیل	عدم انسکان مردم، نبود سمن‌ها قبل از بحران، عدم آمادگی مواجهه با سیل، سیستم دولتی مشارکت‌گریز، نبود سازمان‌های مردم‌نهاد، ضعف سازمان‌دهی مردم در مقابله با بحران، عدم پوشش فراگیر سازمان‌های امداد دولتی، عدم مشارکت مردم در ساخت کمپ‌ها و وجود شبکه‌های غیررسمی و سازمان‌دهی نشده و فاقد آموزش، مشارکت بالقوه خویشاوندگرا	ضعف مدیریت بحران قبل از سیل مشارکت غیرسازمانی	عدم آمادگی مشارکت نظام‌مند در مواجهه با حوادث طبیعی	مشارکت
حین سیل	غلبه فضای عاطفی و تحریک احساسات انسانی در فضای تودهای، حضور مقامات دولتی و سلبریتی‌ها، افزایش ارتباط جامعه بیزین یا مناطق سیل‌زده، دریافت کمک از سراسر کشور، حضور تودهای و انبوه مردم و افراد خیر و انجمن‌ها، مشارکت غیررسمی شبکه خویشاوندی و محلی، رقابت بین گروه‌های امدادی و تخریب یکدیگر	مشارکت تودهای و خودتکلیف‌گشته و غلبان احساسات تراکم ارتباطات اجتماعی عدم مشارکت مردم محلی و ضعف هماهنگی گروه‌های امدادی رشد ستیز و اختلافات محلی برای بقا انفعال و وابسته‌شدن مردم محلی	ضعف مشارکت مدنی مؤثر و افزایش مشارکت تودهای	
بعد از سیل	افزایش خون‌سردی و بی‌اهمیتی در مقابل مصائب جمعی از سوی مردم و نهادهای امدادگران، اتمام انرژی انجمن‌ها در مرحله امداد و نجات، نبود انجمن‌های تخصصی متناسب در مراحل بحران، کاهش اخبار مربوط به سیلاب از طرف رسانه‌های رسمی و غیررسمی، محدودشدن مشارکت به کمک‌های نقدی قطع کمک‌های مردمی، محول‌شدن مسائل به دولت، نبود نهادهای متناسب پس از بحران، ضعف مشارکت مردم محلی در بازسازی و متقبل‌ماندن آنها، کاهش مشارکت مستقیم و سازمان‌یافته مردم، تداوم روحیه رایگان‌خواهی، بالا رفتن انتظارات از دولت و سرخوردگی و نارضایتی، تقلیل کارکرد انجمن‌ها به امور خیریه‌ای، وابستگی و سرخوردگی به کمک‌های خیریه‌ای و دولتی، وابسته‌شدن به کمک دیگران و دولت، افزایش تنش‌ها و اختلافات محلی در مرحله بازسازی، درست‌کردن مدارک جعلی برای گرفتن وام، نشان‌دادن درماندگی و اظهار ناتوانی برای گرفتن کمک	حساسیت‌زدایی حوادث طبیعی پس از رخداد کاهش مشارکت- مستقیم و سازمان‌یافته وابستگی به نهادهای رسمی و مردمی ضعف کشتگری اجتماعی و تقویت رایگان‌خواهی	تضعیف مشارکت محلی	

قبل از سیل

اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد، مردم و دولت در مواجهه با بحران، آمادگی و مشارکت نظام‌مند نداشته‌اند:

«قبل از سیل هیچ آمادگی‌ای نداشتیم و حتی خود دولتی‌ها هم آمادگی نداشتند. نه کمپی بود و نه محلی برای اسکان و دولت هم جز اعلان خبر و هشدار در مورد آمدن سیل کاری نمی‌کرد» (مرد محلی).

از این منظر، سازمان‌های دولتی متولی مدیریت بحران و حتی سمن‌های عمومی نیز در پیش‌بینی خطر و ایجاد آمادگی حضور مؤثری نداشتند. شبکه‌های خویشاوندی غیررسمی نیز ادراک درستی از سیل نداشتند و نتوانستند قبل از سیل به‌جز هشدارهای عمومی کار خاصی انجام دهند. کارشناسان در بحث‌های گروهی بر این باور بودند که:

«جوامع محلی تشکل‌های مردم‌نهاد به‌خصوص نهادهای متخصص و آموزش‌دیده در حوزه مدیریت بحران ندارند و اینجاست که تمام بار به دوش شبکه‌های خویشاوندی یا دولت می‌افتد».

حین سیل

درباره مشارکت و درگیری مدنی، افراد محلی چنین می‌گویند:

«در آن روز بعد از سیل ما ۱۸ ساعت در پشت بام خانه تنها بودیم و مرگ را به چشم خود دیدیم. بعد از فروکش کردن آب، آشنایان با کامیون‌های سنگین و تراکتور به کمک ما آمدند». فقدان آمادگی نهادهای رسمی برای مواجهه با بحران و نداشتن برنامه‌ای برای اقدامات دقیق جهت جلوگیری از حادثه و پیامدهای آن، به مردم و شبکه‌های محلی رسمی و غیررسمی القا می‌کند که خطر و آسیب از جانب بلایای طبیعی جدی نیست و به‌همین دلیل، آنها در ممانعت از وقوع فاجعه مشارکت نمی‌کنند. در آغاز بحران، به دلیل نبود آمادگی زیرساختی و انسانی، شبکه خویشاوندی همراه با امکانات محدود نهادهای دولتی مانند هلال احمر، توانست مرحله امداد و نجات را پشت سر بگذارد. به تدریج، با حضور گروه‌های رسمی و غیررسمی از سراسر کشور در این مناطق، کارهای زیادی انجام شد و راه‌ها باز و کمک‌ها به این مناطق بعد از یک‌روز بی‌خبری وارد شد، به طوری که مردم در مصاحبه اظهار کردند:

«واقعاً اگر کمک نیروهای جهادی و خیرین و ارتش و بسیج نبود، هیچ‌کس نمی‌توانست این همه گل‌ولای را از خانه‌ها بیرون بیاورد».

اما، امکان مدیریت هماهنگ، به دلیل وجود نیروهای ناهمگن دولتی به‌دست نیامد که این موضوع ضعف نهادمند سازمان‌های مدرن را در مدیریت بحران جامعه آسیب‌دیده نشان می‌دهد.

به تدریج، به علت شکل نگرفتن ارتباط بین مردم و دولت و نهادهای مردمی کمکرسان، مردم محلی منفعل شدند و نیروهای مردمی نیز نتوانستند کمک‌ها را به شکل مؤثری توزیع کنند و بسیاری از منابع سازمان‌های خیریه و مردم‌نهاد به هدر رفت. در این باره، کارشناسان در بحث‌های گروهی باور داشتند:

«ناهماهنگی زیادی بین کار سمن‌ها و دولت وجود داشت، به طوری که خیلی از کمک‌ها ناعادلانه توزیع شد یا به هدر رفت».
یکی از مسئولان دولتی بر این باور بود که:
«خیریه‌ها با شیوه ورودشان به محل، باعث مشکلاتی برای بازسازی شدند، به طوری که مردم فقط از بیرون انتظار کمک داشتند».

حضور گسترده نیروهای کمک‌کننده باعث شد مردم محلی برای جذب کمک‌ها با هم به رقابت بپردازند. این رقابت اختلافات و تضادهایی در میان مردم به وجود آورد و شکاف‌های اجتماعی محلی (شکاف‌های طایفه‌ای، شکاف‌های منطقه‌ای، جغرافیایی و...) را در میان مردم فعال کرد. به بیان دیگر، ضعف مدیریت بحران به بازتولید خویشاوندگرایی در زمان سیل منتهی شد.

بعد از سیل

مردم محلی در مصاحبه‌ها اعلام کردند که: «بعد از مدتی، خیرین و جهادی و سمن‌ها ناگهان رفتند و مردم تنها شدند با مشکلاتشان» (خانم در یک روستای سیل‌زده).
«دیگر کسی سراغی از ما نمی‌گرفت و حتی کسی حوصله گوش دادن به مشکلاتمان را هم نداشت و رسانه‌ها هم منعکس نمی‌کردند» (مرد ساکن در شهر پلدختر).

میزان بالای مشارکت بیرونی‌ها در حین سیل و حضور نیروهای مردمی و جهادی، و قطع شدن این مشارکت پس از سیل، به شکل‌گیری آسیب‌هایی همچون بالارفتن حجم انتظارات از دیگران، کاهش یک‌باره کمک‌ها، و احساس ناامیدی و انفعال جامعه محلی، شکل‌گیری تصور از سیل به مثابه امری بیرونی، و مقصرجویی و وابستگی بیشتر به دیگران انجامید. یکی از کارشناسان در بحث‌های گروهی باور داشت:

«روحیه مطالبه‌گری در مردم ضعیف شده و هر کسی خودش فقط طلب‌کار بود و در مشارکت اجتماعی نقش جدی ندارند».

کاهش حساسیت بیرونی‌ها و بی‌اعتنایی آنها به حادثه و عدم پوشش رسانه‌ای، به ضعف کنشگری و کاهش مطالبه‌گری اجتماعی مردم محلی منجر شد و وابستگی بیشتر به نهادهای رسمی و رشد روحیه رایگان‌خواهی را به دنبال آورد. مردم پس از اتمام فعالیت سمن‌ها، در مصاحبه‌ها بر این امر تأکید داشتند که:

«سمن‌ها و جهادی‌ها به فکر انجام کارهای بلندمدت نبودند و در اثر وجود توجه‌های رسانه‌ای با نگاه خیریه‌ای در آنجا حضور یافتند».

مردم در برخورد با مشکلات، به جای روحیه همکاری، به انتظار خیرها یا نیروهای دولتی نشستند تا ناجی‌وار مشکلات آنها را حل کنند.

در بعد مشارکت، در طی سه مرحله زمانی، با عدم مشارکت نظام‌مند در قبل از حادثه، ضعف مشارکت نهادمند و رشد مشارکت توده‌ای و ناهماهنگ در حین حادثه، و تضعیف مشارکت محلی و رشد رایگان‌خواهی و سواری مجانی پس از حادثه، مواجهیم.

نتیجه‌گیری و بحث

تغییر سرمایه اجتماعی در اثر وقوع سیل در استان لرستان مطابق روندی که در ادامه ذکر شده اتفاق افتاده است:

روند تغییر آگاهی: نبود سازمان‌ها و انجمن‌های مدرن برای مواجهه با بحران، نشان‌دهنده عدم آمادگی ذهنی برای مقابله با بحران است. به همین جهت، با وقوع بلای طبیعی، اجتماع محلی غافل‌گیر می‌شود، ضمن اینکه درکی از میزان خطر ناشی از حادثه ندارد. در حین سیل، به علت غافل‌گیری ناشی از حادثه و ناکارآمدی مدیریت بحران، نوعی دیدگاه احساس وجود توطئه، و خشم علیه نهادهای دولتی در میان مردم رواج یافته است، تا جایی که علت سیل را به نیروهای متافیزیکی مانند گناه‌کاری مردم و غضب خداوند، یا تصمیم بدخواهانه مدیران دولتی استانی و کشوری و بازکردن سدها نسبت داده‌اند. در مقاطع زمانی و برهه‌های خاص تاریخ ایران، هرچه بحران‌ها و تنش‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه بیشتر شده، تفکر مبتنی بر توطئه‌باوری نیز افزایش چشم‌گیری یافته است. این موضوع قبلاً در حوادث دیگری و توسط محققین دیگری در حوادث دیگری مانند زلزله بم، زلزله آذربایجان و سرپل‌ذهاب نیز تکرار شده است (ایران‌منش، ۱۳۹۶).

بهمرور، این نگرش‌ها تعدیل شده است، به طوری که رویکرد مردم به سمت درون‌رفته است و تا حدی سهم خود را در ابتلا به این بلای طبیعی پذیرفته‌اند، اما همچنان معتقدند که بلایای طبیعی قابل مدیریت هستند. پس از حادثه، آگاهی‌ای که در باب حادثه شکل گرفته، بیشتر در حالت عاطفی باقی مانده و کمتر شکل سازمانی و نهادی به خود گرفته تا بتواند در برنامه‌ها و اقدامات پیش‌گیرانه بعدی مفید واقع شود.

روند تغییر اعتماد: در بعد اعتماد، با در نظر گرفتن اهمیت اعتماد محلی و اعتماد نهادی، به بررسی یافته‌های پژوهش پرداخته‌ایم. طبق یافته‌ها، قبل از وقوع حادثه، با بی‌توجهی مردم به

هشدار نهادهای دولتی و سازمان‌های مختلف درباره وقوع سیل مواجه بودیم. این امر نشان می‌دهد که قبل از وقوع سیل، دایره اعتماد جامعه به نهادهای دولتی محدود است و مردم، به‌ویژه به نهادهای رسمی، اعتماد ندارند. حتی، یکی از افراد محلی در مصاحبه اشاره کرد که قبلاً هم گفته بودند سیل می‌آید، اما نیامد و به‌همین دلیل، دیگر هشدارها را جدی نمی‌گرفتند. این مطلب با زمینه اجتماعی حاکم بر جامعه پیش‌گفته بی‌ارتباط نیست. در جامعه لرستان، اغلب اعتماد به دایره خاصی محدود می‌شود و اعتماد تعمیم‌یافته، مخصوصاً به بیگانه، به‌ویژه دیگری دارای قدرت (نیروهای رسمی)، کمتر است. قرار گرفتن جامعه در انزوای جغرافیایی، اتحاد ایلی در مقابل ایل‌ها و طوایف دیگر برای حفظ اموال و زمین، اهمیت نسب و طایفه، وجود سابقه غارت و ناامنی، همگی، فضایی ذهنی توأم با ترس و بدبینی برای ساکنان این منطقه علیه «دیگری» ساخته است که امروزه بخشی از فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه را شکل داده است.

در حین سیل، به‌دلیل انباشت کمک‌های مردمی، اعتماد به نیروهای بیرونی ترمیم شد و روحیه هم‌بستگی ملی، در پی حضور توده‌ای گروه‌های گوناگون تقویت شد، اما از دست رفتن اسباب زندگی و نیاز به بقا، فضایی مخرب و رقابتی میان افراد ایجاد کرد و اعتماد بین افراد محلی صدمه دید؛ بنابراین، اگر قبل از حادثه، سطح پایینی از بی‌اعتمادی نهادی در جامعه برقرار بود، در حین سیل، این بی‌اعتمادی، به بی‌اعتمادی بین‌فردی و محلی تبدیل شد. با توجه به ساختار زندگی معیشتی جامعه قبل از سیل و پیشینه کشاورزی آن برای تأمین معیشت، با رخداد حادثه و از بین رفتن منبع درآمد، احساس ناامنی به نزار برای بقا در جامعه سیل‌زده منتهی شد. لرستان اغلب به‌علت پیشینه ایلی و کشاورزی معیشتی و فقر دیرپا، معمولاً در حالت جنگ برای بقا بوده است؛ به‌همین دلیل، احساس ناامنی و تنازع بقا همواره جزئی از فرهنگ زندگی در لرستان بوده که در میانه بحران تشدید شده است.

جامعه‌ای که فرهنگی همراه با خشم، فقر و انزوای جغرافیایی داشته است، با وقوع بلای طبیعی، خود را در کانون هم‌بستگی ملی و توجه رسانه‌ای می‌بیند و تلاش می‌کند تا از این توجه ملی نهایت استفاده را ببرد. هجوم گروه‌های مختلف مردم مناطق دیگر به مناطق سیل‌زده، بدون اینکه آسیب‌دیده باشند و صرفاً برای گرفتن کمک، به شکل‌گیری رقابت و برخورد خشن بین آنها و مردم محلی منجر شد. علاوه‌براین، ناکارآمدی نهادهای مدیریت بحران، مداخله مستقیم افراد خیر و سازمان‌های غیردولتی در توزیع اقلام، و فقدان برنامه‌ریزی مناسب، باعث تشدید برخوردها و نزاع‌ها شد. نتیجه این وضعیت، بی‌اعتمادی بیشتر مردم به هم‌شهریان، و نهادهای رسمی و غیررسمی بود.

اشکال جدیدی از اعتماد نیز، به دلیل ورود نیروهای غیربومی و جهادی و افراد خیر در میان مردم شکل گرفت که با حضور شبکه‌های اجتماعی مجازی، فرصت‌های جدیدی خلق کرد. این شکل از اعتماد، مخصوصاً در جامعه‌ای که شعاع دایره اعتماد در آن، به دلیل غلبه خاص‌گرایی محدود است، نکته مهمی محسوب می‌شود و نوعی ادغام اجتماعی جامعه محلی به‌شمار می‌آید.

روند تغییر مشارکت: مشارکت و درگیری مدنی با دو مؤلفه حضور نهادهای مختلف و مشارکت مردم سنجیده شد. همراه با وقوع سیل، با مشارکت گروه‌های مردمی و غیررسمی برای نجات اقوام و آشنایان، در قالب مشارکت محدود و درون‌گروهی مواجه بودیم؛ بنابراین، نوعی مشارکت خاص و محدود در جامعه جریان دارد. طبق گفته‌های کارشناسان در بحث گروهی، غلبه این نوع مشارکت ناشی از آن بود که جامعه لرستان فاقد سمن‌های تخصصی و حتی عمومی توانمند، مخصوصاً در حیطة مدیریت بحران، است و مشارکت غالباً در شکل سنتی و خودانگیخته برقرار می‌شود.

در حین سیل، جامعه سیل‌زده با رشد مشارکت توده‌ای و حضور گروه‌های مختلف روبه‌رو شد. این نوع از مشارکت، سطح مشارکت برون‌گروهی را در جامعه بالا برد و به تقویت اعتماد به گروه‌های غیررسمی و افراد خیر منجر شد، ولی حضور سازمان‌نیافته و آموزش‌دیده‌نبودن امدادگران و کمک‌کنندگان، به‌رغم نیت انسانی و خیرشان، مشکل‌ساز شد و برآیند مشارکت اجتماعی مؤثر را با تردید مواجه کرد. حضور گردش‌گرانه بعضی امدادگران و افراد خیر، ایجاد تنش بین افراد خیر و امدادگران و دولتی‌ها، برخورد عاطفی خیرها با مردم سیل‌زده، و گاه سوءاستفاده افراد خیر و محلی‌ها از یکدیگر، رفتارهای کاسب‌کارانه‌ای در میان مردم ظاهر کرد.

حضور گروه‌های مختلف غیرمسئول دولتی و غیردولتی در جامعه آسیب‌دیده در روزهای اولیه سیل، مشارکتی کوتاه‌مدت و لحظه‌ای را رقم زد. یکی از حاضران در روزهای نخست سیل، که مسئول تشکل‌های مردم‌نهاد در منطقه بود، می‌گفت با اینکه چند شب نخواهید بودند و به مواد غذایی دسترسی نداشتند، باید از مهمانان و شخصیت‌های مهمی که از نقاط مختلف برای بازدید می‌آمدند استقبال می‌کردند و نمی‌دانستند به وضعیت مردم رسیدگی کنند یا برای افراد مهم با مناصب دولتی سرپناه و امکانات پذیرایی فراهم کنند. به‌همین دلیل، بیشتر نهادها و افراد خیر بعد از مدت کوتاهی انرژی خود را تمام‌شده و تکلیف خود را انجام‌داده فرض کردند و منطقه سیل‌زده را ترک کردند و کارها را به دولت سپردند.

جامعه بعد از سیل، با توجه به اتفاقات حین سیل و قطع شدن ناگهانی کمک‌های مردمی، سمن‌ها، و نیروهای جهادی، و آماده‌نشدن زیرساخت‌ها، همانند مرحله قبل از سیل، غافل‌گیر شد. اتمام کمک‌ها و کاهش پوشش رسانه‌ای، به بدبینی و بی‌اعتمادی مردم به گروه‌های

بیرونی، از جمله دولت، نهادها، و سمن‌ها، دامن زد. این رخداد میزان اعتماد مردم را به نهادها و انجمن‌های مردم‌نهاد متزلزل کرد.

از طرفی، وابستگی به کمک‌ها در حین سیل، مردم محلی را منفعل ساخت و آنها را نسبت به بیرونی‌ها و خودشان بی‌اعتماد کرد. وابستگی به کمک، نه تنها سرمایه اجتماعی را در بعد برون‌گروهی (پیوندی) و ملی کاهش داد، بلکه پس از کاهش یافتن کمک‌ها به دنبال فرونشستن فضای احساسی و غلیان اجتماعی مردم، به انزوا و فردگرایی مخربی منجر شد که طی آن، هر کسی سعی می‌کرد، به هر وسیله ممکن، با بزرگ‌نمایی خسارت خود، یا گاه با تمارض، سهمی از کمک‌های دولتی دریافت کند. این در حالی است که در ابتدای حادثه، شاهد مشارکت درون‌گروهی و خودانگیخته در سطح اقوام و آشنایان بودیم. با اینکه نظام خویشاوندی عامل مهمی در کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی و بالارفتن تاب‌آوری محلی است، ولی با ورود نیروهای بیرونی به مناطق آسیب‌دیده، نظام خویشاوندی ناکارآمد شد و خود در خدمت کسب و توزیع خاص‌گرایانه کمک‌های بیرونی قرار گرفت. پس از سیل، میل به مشارکت کمتر و دامنه آن محدودتر از قبل شد. تمایل به این سطح از مشارکت، با بدبینی به دیگران، به‌ویژه اقوام و بستگان و همسایگان، به‌علت برنیاوردن انتظارات، همراه شد.

مطابق یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که در هنگام بروز بلایا، با وجود اینکه جامعه محلی با نیروهای اجتماعی جدیدی ارتباط برقرار می‌کند و سطح جدیدی از تعاملات را تجربه می‌کند، به دلیل فقدان پیوند بین اشکال سرمایه اجتماعی بیرونی و درونی، این تعاملات پایدار و سازنده نیست و سرمایه اجتماعی بعد از سیل، از سطح قبلی آن هم، که بیشتر درون‌گروهی و خاص‌گرا بوده، پایین‌تر می‌آید. بنابراین، می‌توان گفت، در اثر وقوع سیل، جامعه با محدودیت ابعاد سرمایه اجتماعی مواجه می‌شود.

با این‌که ضرورت ایجاد هم‌بستگی و اعتماد در مواقع بحرانی، اصل ضروری و مورد اتفاق صاحب‌نظران است که در پیشینه تحقیق نیز به آن اشاره شد، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که لزوماً در همه‌جا چنین نیست و بروز بحران با افزایش سرمایه اجتماعی همراه نیست. بحران غالباً سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد و مشکلاتی در روند بازسازی و بازتوانی پدید می‌آورد. بدون شک، این نوع سرمایه اجتماعی در زمان بلایا، نه تنها آسیب‌های اجتماعی برآمده از بلایای طبیعی را کاهش نمی‌دهد، بلکه به بازتولید آسیب‌ها در درازمدت منجر می‌شود.

از جمله راهکارهایی که می‌توان برای جبران افت سرمایه اجتماعی ارائه کرد عبارت‌اند از: توجه به ابعاد اجتماعی بلایا در مدیریت بحران، توجه به رابطه بین دولت و نهادهای مدنی و حل تناقض اقتدار و مسئولیت، توجه بیشتر به نهادهای مدنی و تخصصی کردن آنها، کمک به

حل مشکلات انجمن‌های مردم‌نهاد، رشد و تقویت نهادهای مدنی و امدادی در مناطق توسعه‌نیافته، تقویت ارتباط بین نهادهای دولتی و غیردولتی و بالابردن آمادگی‌های منطقه‌ای برای مقابله با بلایای طبیعی، مستندکردن تجربیات و درس‌آموزی از آنها در بحران‌های بعدی، آموزش دادن به مردم محلی، و توجه به توانمندسازی جامعه به‌جای نگاه خیریه‌ای به مردم آسیب‌دیده.

منابع

- ادیبی‌سده، مهدی و همکاران (۱۳۸۸) «سنجش سرمایه اجتماعی میان گروهی (طیف سام)»، *رفاه اجتماعی*، سال دهم، شماره ۳۸: ۱۹۳-۲۲۰.
- ایران‌منش، محمد (۱۳۹۶) «الگوی برای مطالبه‌گرایی اجتماعی»، در: *چهارمین همایش ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران*، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۵ تا ۷ دی ماه ۱۳۹۶، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پاتنام، رابرت (۱۳۷۹) *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران: روزنامه سلام.
- پیران، پرویز، میرطاهر موسوی، و ملیحه شیان (۱۳۸۵) «کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۳۶: ۳۶-۹.
- پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در ایران، برش لرستان (۱۳۹۴) *طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- ترکرانی، مجتبی (۱۳۹۳) نگاهی جامعه‌شناختی و تاریخی به مواجهه دولت و نظام ایلی در تاریخ یک‌صدساله لرستان، رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه و اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ترکرانی، مجتبی، حق‌ندری، ایرج (۱۳۹۵) «بررسی فراز و فرود سرمایه اجتماعی در لرستان با استفاده از تحلیل ثانویه پیمایش ملی سرمایه اجتماعی»، *تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور (استان لرستان)*، وزارت کشور: سازمان امور اجتماعی.
- تشکر، آذر (۱۳۹۸) «سلسله نشست‌های گفت‌وگو درباره سیل»، در *جست‌وجوی مدیریت مردمی بحران*، شرکت بازآفرینی شهری ایران، خانه گفت‌وگو شهر تهران، ۹ تا ۱۷ تیرماه ۱۳۹۸: ۱-۵.
- حیدری‌ساریان، وکیل، علی‌مجنونی توتاخانه، و محبوبه نقابی (۱۳۹۵) «بررسی و ارزیابی تأثیر الگوهای اسکان مجدد بر تغییرات سرمایه اجتماعی در روستاهای زلزله‌زده؛ مطالعه موردی: روستاهای زلزله‌زده شهرستان ورزقان»، *جغرافیا و توسعه*، شماره ۴۳: ۵۱-۷۰.
- رشادت‌جو، حمیده، علی‌اکبر رضایی، و میرنوید میرحق‌جو (۱۳۹۰) «نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی کلان‌شهرهای ایران؛ مطالعه موردی شهر رشت»، *مطالعات مدیریت شهری*، شماره ۶: ۲۳-۱.

- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، نرگس وزین، و پورطاهری (۱۳۸۶) «فرآیند مدیریت بلای طبیعی در دو شیوه بومی و جدید: روستاهای بخش خورش رستم (شهرستان خلخال)»، *مدرس علوم انسانی*، سال سیزدهم، شماره ۱: ۶۲-۹۴.
- رنانی، محسن، و رزیتا مؤیدفر (۱۳۸۷) «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استان‌های ایران»، *فرآیند مدیریت و توسعه*، شماره ۶۹: ۷۹-۱۰۶.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۲) *توسعه و نابرابری*، تهران: مازیار.
- سلطانی حبیب، مسعود، و کیانوش ذاکر حقیقی (۱۳۹۵) «سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در مدیریت بحران در شهرها (نمونه مورد مطالعه: شهر همدان)»، *دانش انتظامی همدان*، شماره ۸: ۱۱۳-۱۳۴.
- طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۳) «تبیین شاخص‌های مدیریت حوادث با رویکرد پیش‌گیری از وقوع بحران»، *کمال مدیریت، ویژه‌نامه مدیریت بحران*، شماره ۴: ۵۳-۷۳.
- عبداللهی، محمد، و میرطاهر موسوی (۱۳۸۶) «سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۲۵: ۱۹۴-۲۳۳.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۷) «مسائل و راه‌حل‌های سنجش و تحلیل سرمایه اجتماعی در ایران»، *علوم اجتماعی*، شماره ۳۹: ۳۱-۵۷.
- عزمی، آئیژ، و مجتبی نوری (۱۳۹۶) «نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت مخاطرات طبیعی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: بخش ماهی دشت کرمانشاه)»، *جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)*، شماره ۲: ۷۷-۸۹.
- عسکری، امیر (۱۳۹۵) «تاب‌آوری و طراحی الگوی واکنش‌های روانی-اجتماعی بعد از وقوع زلزله تهران»، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، شماره ۵: ۲۸۷-۳۱۱.
- عینالی، جمشید، حسین فراهانی، و نسرین جعفری (۱۳۹۳) «ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در کاهش اثرات سانحه زلزله در دهستان سجا سرود-شهرستان خدابنده»، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال چهاردهم، شماره ۳۲: ۹۳-۱۱۵.
- عکاشه، بهرام (۱۳۸۳) *پریروز رودبار، دیروز بزم، فردا...*، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار تهران. تهران: شهرداری تهران.
- عینالی، جمشید (۱۳۸۹) *ظرفیت‌سازی برای کاهش اثرات سوانح طبیعی (زلزله) در مناطق روستایی*، مطالعه موردی: شهرستان خدابنده، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی به راهنمایی مهدی پور طاهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- قدیری، محمود، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۲) *رابطه ساخت اجتماعی شهرها و میزان آسیب‌پذیری در برابر خطر زلزله مطالعه موردی: محلات کلانشهر تهران*، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دوره ۲۴، شماره ۲: ۱۵۳-۱۷۴.

- Chia, j. (۲۰۱۰) "Engaging communities before an emergency: developing community capacity through social capital investment", *The Australian Journal of Emergency Management*, ۲۵,۱ : ۱۸-۲۲.
- Dahlgren, L., Emmelin, M. and Winkvist, A (۲۰۰۷) *Qualitative Methodology for International Public Health*. Umea°, Sweden: Umea° University.
- Eriksson ,M. Dahlgren, L. and Emmelin ,M (۲۰۰۹) "Understanding the role of social capital for health promotion beyond Putnam: A qualitative case study from northern" *Sweden Social Theory & Health* , ۷,۴: ۳۱۸-۳۳۸.
- Patterson, O. Weil, F. and Patel, K (۲۰۱۰) "The Role of Community in Disaster Response: Conceptual Models", *Population Research and Policy Review*, ۲,۲: ۱۲۷-۱۴۱.
- Putnam, R.D. (۱۹۹۳) *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Putnam, R.D. (۲۰۰۰) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.
- Pelling, M (۲۰۰۳) *The Vulnerability of Cities: Natural Disaster and Social Resilience*, Earthscan Publications Ltd.
- Ragin, C. (۱۹۹۴) *Constructing Social Research*. London: Pine Fogge Press.
- Yila, O., Weber, E. and Neef, A (۲۰۱۳) "Role of Social Capital in Post-Flood Response and Recovery", *Community, Environment and Disaster Risk Management*, ۱۴: ۷۹_۱۰۷.